

بررسی جهانی شدن و تحول مفهوم دینداری در ایران

سید محسن صالحی

کارشناسی ارشد علوم سیاسی، گرایش اندیشه سیاسی در اسلام، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول)

چکیده

اصولاً جهانی شدن به عنوان مهمترین رویدادی است که جوامع انسانی با آن مواجه هستند؛ زیرا جهانی شدن خاستگاه تغییر و تحولات مختلف در حوزه‌ها و ابعاد گوناگون زندگی بشری است و در مقیاس‌های خرد و کلان می‌تواند فضای فکری و منش رفتاری کشورها را تحت‌الشعاع قرار دهد. از دیگر سو، دیانت و معنویات در مللی که ماهیت اسلامی دارند، نیز با اشاعه فرهنگ و ترویج مولفه‌های فرامرزی و فرامنطقه‌ای گاه‌گاهاً دستخوش تغییر خواهد شد. به همین سبب پرداختن و کنکاش در حیطة سنجش کرداری و خط فکری افراد نسبت به مولفه‌ها و مفاهیم دینی در جوامع اسلامی، از اهمیت دو چندان برخوردار است. از این رو نیاز هست تا مفاهیم مربوطه در این حوزه ابتدا به صورت کامل تشریح گردد و سپس جایگاه یک منطقه و یا یک ملت نسبت به مفاهیم بنیادین جهانی شدن و اصل دین و دینداری تبیین گردیده و در فراخور آن، موقعیت کنونی و شرایط حال حاضر آن جامعه از لحاظ ثبات یا متحول شدن مقوله جهانی شدن و دینداری مورد بررسی قرار گیرد. در این پژوهش، به تحولات صورت گرفته در راستای جهانی شدن نسبت به مفاهیم دینی و دینداری در کشور ایران پرداخته شده و مشخص گردیده است که در عرصه دینداری برخی از مولفه‌های دینی در حوزه تعریف و معنای کاربردی دچار تحول شده‌اند.

واژه‌های کلیدی: دین، دینداری، جهانی شدن، فرهنگ جهانی، تحول.

مقدمه

جهانی شدن^۱ یکی از عمده موضوعاتی است که در روزگار امروز توانسته است بر فضای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ملل مختلف سایه بگستراند؛ زیرا این مفهوم ریشه در مفاهیم و ابعادی گوناگونی دارد که هر کدام سرچشمه علم و پژوهشی متنوع است. شاید نیز به همین دلیل است که به حیث گستردگی زیاد آن، تعریف کامل و جامعی برای آن نمی‌توان یافت؛ اما اگر دامنه جهانی شدن را به تغییر و تحولات وارد شده در حیطه مفاهیم و مبانی دینی، محدود نماییم خواهیم توانست با نگاهی ژرف برخی از کارکردها، چالش‌ها و فرصت‌هایی که جهانی شدن بر روی مفاهیم دینی و مولفه‌هایی از این قبیل داشته باشد را بررسی نماییم؛ اما پیش از آن به تاثیر جهانی شدن و تحولات صورت گرفته در حوزه مفاهیم دینی بپردازیم، نیاز هست تا جایگاه دین و دیانت را جامعه بیان نماییم.

بدیهی است که تأثیر و نفوذ دین در زمینه‌های گوناگون حیات اجتماعی و فردی افراد (مومنین به شرع)، موجب شده است تا این موضوع بستر پژوهش‌های مختلفی در جوامعی دین‌دار باشد؛ زیرا میزان پایبندی و مومن بودن افراد اجتماع به منویات و مفاهیم دینی از اهمیت بسیار خاصی برخوردار هست؛ زیرا هسته چنین جوامعی حول محور دیانت قرار گرفته است؛ بنابراین برای کارگزاران و نظام سیاسی آن جامعه بسیار حائز اهمیت است که در ادوار مختلف، مقوله جهانی شدن تا چه میزان توانسته است بر افکار عمومی مردم تأثیر گذاشته باشد و باورها و اعتقادات و مفاهیم ذهنی مردم را ملت نسبت به مسائل دینی دچار تغییر و تحول کند. همچنین موضوع دیگری که در این خصوص می‌باید به آن پرداخت این هست که اساساً گرایش جوامع به سمت مقوله جهانی شدن، شاکله و ساختار نوینی را برای کارکردهای دینی و عرصه حضور دین در جامعه رقم می‌زند؛ زیرا ممکن است با حرکت به سمت جهانی شدن و تاثیرپذیری ملل مختلف از همدیگر و به نوعی همسان‌سازی مسائل اجتماعی و تا حدودی فرهنگی، جایگاه دین از حالت جامع پذیر بودن و عمومیت به سمت انزوا رفته و به نوعی خصوصی شود. در صورتی که چنین اتفاقی در جامعه حادث شود، بدیهی است که مفاهیم دینی ممکن است متحوا خواهند شد.

لذا بر طبق آنچه بیان گردید، چندین پرسش مطرح می‌گردد، از جمله اینکه چه مولفه‌هایی در خصوص نقش تحول آفرین در حوزه مفاهیم دینی نقش دارند؟ و همچنین جامعه کنونی ایران تا چه میزان از جهانی شدن و آثار جانبی آن در حیطه مسائل و موضوعات دینی تاثیر پذیرفته است؟ لذا در این تحقیق اهتمام بر آن است که با نگاهی جامع و پیراسته، مقوله جهانی شدن به طور شایسته تبیین گردیده و با بررسی‌های عمیق، پاسخ‌دهی مناسب به این سوالات و دیگر ابهامات پیش رو، صورت پذیرد.

بیان مسئله

دهه‌های پایانی قرن بیستم و سال‌های آغازین سده بیست و یکم با بحث‌های پرتنش، پیرامون چیستی فرآیند جهانی شدن همراه بوده است. با دقت در آراء متفکران مختلف می‌توان، خاطرنشان کرد که جهانی شدن، پدیده‌ای است که به سرعت، در تمام ابعاد و زوایای زندگی بشر (اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی) در حال رخنه و گسترش است (ابوالحسنی، ۱۳۹۶: ۴۸). در واقع پیشرفت‌های فناوری و پیدایش شبکه‌های اینترنت و ماهواره‌های مخابراتی باعث شده است که جهانی شدن نیز با سرعت و با شیوه‌های متنوع‌تری بر جوامع انسانی اثر بگذارد و با درنوردیدن مرزهای ملی و جغرافیایی، امکان پیوند سریع میان افراد، جوامع و نظام‌ها را فراهم کند. ایران نیز در دهه‌های گذشته و به ویژه در دو دهه گذشته با رشدی روزافزون تحت تأثیر فرآیند جهانی شدن قرار گرفته است. همچنین ما در سال‌های گذشته شاهد کاربرد گسترده ابزارهای اطلاعاتی و ارتباطی چون رایانه و اینترنت در میان گروه‌های مختلف مردم به ویژه جوانان بوده‌ایم؛ بنابراین امروزه فرآیند جهانی شدن در زندگی اجتماعی ایرانیان اهمیت فراوانی یافته است (گل محمدی، ۱۳۹۲: ۲۷).

^۱ Globalization

از طرفی، هویت و مفهوم دینی از مهمترین عناصر ایجادکننده همگنی و همبستگی اجتماعی در سطح جوامع است که طی فرآیندی با ایجاد تعلق خاطر نسبت به دین و مذهب در افراد جامعه، نقش بسیار مهمی در ایجاد و شکل‌گیری هویت جمعی دارد؛ به عبارت دیگر، هویت دینی موجب تشابه‌سازی و تمایزبخشی می‌شود. (تامپسون^۱، ۲۰۱۴: ۱۱) به طور مثال، «دین اسلام و مذهب شیعه، ضمن ایجاد تشابهات دینی در بین افراد جامعه آن‌ها را از سایر ادیان جدا می‌سازد. در جامعه ایران، برخلاف سایر جوامع (که به دنبال حاشیه‌ای کردن دین و برانداختن دین‌داران از اریکه قدرت و منزوی کردن آنها است) با استفاده از نیروی مذهب، در پنج قرن گذشته، حداقل سه انقلاب تمام عیار را سامان دادند؛ که یکی از این حرکت‌ها در سال ۱۲۸۵ با رهبری علمای طراز اول شیعه در انقلاب مشروطه و آخرین آن هم در انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ شمسی با رهبری و هدایت مرجعیت شیعی شکل گرفت» (گودرزی، ۱۳۸۷: ۵۰) با توجه به اهمیت هویت دینی در جامعه اسلامی، توجه به عوامل تأثیرگذار بر آن از اهمیت بسیاری برخوردار است.

امروزه، افزایش ارتباطات جهانی و جهانی شدن، موجب ایجاد تغییرات فرهنگی بسیاری در جوامع مختلف شده است. رواج ارزش‌های گوناگون، قرار گرفتن در معرض اندیشه‌ها و گرایش‌های مختلف از جمله عوامل تهدیدکننده تعلق خاطر به هویت دینی به خصوص در میان جوانان است. در واقع هویت فرهنگی و دینی [افراد به ویژه نوجوانان متعاقب] به وسیله تهاجم فرهنگی تهدید می‌شود. همان طور که «کاستلز»^۲ نیز جهان آینده را صحنه کارزار دو قدرت معتبر، یعنی جهانی شدن و هویت دینی می‌داند. (افتخاری، ۱۳۹۰: ۳۸) بنابراین در دوران کنونی، مفهوم دینی مینا و معنای گذشته صد در صدی خود را از دست داده است؛ در واقع شدت و دامنه تغییرات هویتی در نسل‌های جدید به اندازه‌ای است که در برخی موارد بحران‌های هویت دینی را پدید آورده است. (کاستلز، ۱۳۹۳: ۳۱)

بنابراین، برخلاف نسل‌های گذشته، فرآیند انتقال هویت، در عصر حاضر بیش از آن که در زمینه ارزش‌ها، باورها و رفتارها و در یک کلام، هویت‌شان از والدین، متأثر باشد از رسانه‌ها، صنعت فرهنگ، همسالان و جوانان دیگر که چه بسا از دیگر کشورها باشند، تاثیر می‌پذیرند. این مضامین می‌تواند به طور کلی به تغییر و تحول مفهوم دینی در بین مردم، علی‌الخصوص اقشار جوامع در حال توسعه همچون ایران منجر گردد. (آزادآرمکی، ۱۳۹۳: ۲۹)

پیشینه پژوهش

از مهم‌ترین حوزه‌هایی که در موضوع جهانی شدن مطرح می‌شود، رابطه‌ی دین و جهانی شدن است. (نپاوندیان^۳، ۱۳۹۴: ۲۰) در جریان متراکم و بهم پیوسته جهانی شدن که بسیاری را برای آنچه که به بحران هویت یاد می‌شود نگران کرده، پرسش‌های متعددی وجود دارد که هر کدام می‌توان بخشی از مقوله جهانی شدن و دین‌مداری را سامان بخشید. برخی از اندیشمندان^۴ سده‌ی نوزدهم بر این باور بودند که با گذشت زمان و تحول جوامع نقش خرده فرهنگ‌های مختلف همچون دین در زندگی اجتماعی کم رنگ شده و یک جامعه‌ی جهانی بدون تمایز شکل خواهد گرفت. (کوهن^۵، ۲۰۱۳: ۷) مارکسیست‌های قرن بیستم که فرهنگ را تابعی از طبقه می‌دانستند بر این باور بودند که در جامعه و جهانی بی طبقه، هویت‌هایی نظیر هویت‌های دینی جایگاهی نخواهند داشت (جوان شهرکی، ۱۳۸۴: ۲۴۰). همچنین تجددگرایی، کنارگذاشتن مذهب را برای رسیدن به پیشرفت توصیه می‌کند و دنیاطلبی سکولاریته، حرکت به سوی الگوها و باورهای دنیای غرب را توصیه می‌کند (درویشی متولی، ۱۳۸۸: ۷۰).

^۱ Thompson

^۲ Manuel Castells

^۳ Merlemane

^۴ Immanuel Kant - Karl Marx

^۵ Cohen

اما بسیاری از نظریه پردازان همچون تافلر^۱، دیوید هاراوی^۲، فردریک جیمسون^۳، آنتونی گیدنز^۴، فرانسیس فوکویاما^۵ و رابرتسون^۶ در مورد رابطه‌ی دین و جهانی شدن سخن گفته‌اند برخی از آنها افزایش نقش اجتماعی و سیاسی آن را پذیرفته‌اند (کچوئیان، ۱۳۹۴: ۳۹)

در بعد جهانی شدن فرهنگ، جهانی شدن باعث همگرایی و نزدیکی ادیان و مذاهب شده که این خود پایه‌های مشترک جهانی آنها را محکم تر می‌کند. جهانی شدن نه تنها دین را به حاشیه نرانده، بلکه در متن دغدغه‌های روحی بشر معاصر قرار داده است و انسان معاصر بیش از هر زمان به دین و آموزه‌های دینی احساس نیاز می‌کند (لطفی و محمد زاده، ۱۳۸۹: ۲).

مثلاً چامسکی^۷ (۲۰۱۵) معتقد است جهانی شدن در بخش فرهنگی چیزی جز بسط فرآیند تبلیغاتی غرب و تسلط فرهنگ آمریکا نیست. (چامسکی، ۲۰۱۵: ۱۲) و یا توماس فریدمن^۸ (۲۰۱۵) می‌گوید جهانی شدن همان آمریکایی شدن است. (فریدمن، ۲۰۱۵: ۳۶) «سالزانو»^۹ (۲۰۱۵) را شرایط در حال گذار می‌داند که در آن مرزهای ملی سست شده و به هم پیوستگی پدیده‌های اجتماعی در آن در حال افزایش است. ارزش‌ها و فرآیندهای مشترکی هم به تدریج در بین جوامع مختلف بشری در حال شکل‌گیری است. (سالزانو، ۲۰۱۶: ۴۱) بعضی‌ها مثل والرشتاین^{۱۰} (۲۰۱۵) معتقدند کلمه جهانی شدن بار ارزشی داشته و وضعیت فعلی را توجیه می‌کند و باید به جای آن نظام سلطه‌گر سرمایه‌داری جهانی را به کار برد. آنها معتقدند نظام سرمایه‌داری از قرن ۱۶ در اروپا شکل گرفت. این نظام در طی ۵ قرن تکامل پیدا کرده تا به شرایط امروز رسیده که همه جهان را فرا گرفته است. پس جهان امروز ما نظامی به هم پیوسته چپاولگر سرمایه‌دارانه است که در آن تمام ملت‌ها، کشورها و انسان‌های تحت سلطه، توسط سلطه‌گران سرمایه‌دار چپاول می‌شوند. همه چیز در جهان ابزار دست سرمایه‌داران سلطه‌گر است. دولت‌ها، فرهنگ، هنر و مذهب. این مفاهیم محصول مبانی ماتریالیسم تاریخی اند. (والرشتاین، ۲۰۱۵: ۳۵)

از نگاه نظریه جهانی شدن، در یک سطح جهانی اهمیت مذهب با تحولات اجتماعی و فرهنگی همراه است. در واقع آنها می‌گویند: جهانی شدن و دین ارتباط تنگاتنگی دارند. در نظریه جهانی شدن، رستاخیز مذهبی تجلی مهمی از یک دنیای متحد است. با تضعیف دولت - ملت‌ها، اندیشه‌ها و نهادهای فرآملی اهمیت فزاینده‌ای به دست آورده‌اند و مذاهب عمده‌ی جهان فرصتی یافته‌اند تا جهان بینی‌های عمده خود را گسترش دهند. نتیجه به دست آمده چیزی است که هینز، آن را تجدید حیات مذهبی می‌خواند (درویشی متولی، ۱۳۸۸: ۶۹-۶۸).

بازترین مفهوم در نظریه جهانی شدن رابرتسون (۲۰۱۵) «عام شدن خاص و خاص شدن عام» در عصر جهانی شدن است که وی علت احیای دین و ظهور جنبش‌های دینی در جهان معاصر را چنین بیان می‌کند که افراد و جوامع در تعامل و تعارض با سایر جوامع و افراد و روند روبه گسترش ادغام ارزش‌ها و فرهنگ‌های گوناگون و متعارض قرار گرفته‌اند. رابرتسون دو تفسیر درباره پیدایش و گسترش دین و جنبش‌های دینی در جهان معاصر ارائه می‌دهد. بخشی از این تلاش‌ها را می‌توان از سوی ادیان و جنبش‌های دینی با هدف عام کردن ارزش‌ها و فرهنگ‌های خاص آنها و به عبارتی به جهانی شدن مرتبط دانست و اینکه آنها داعیه‌های جهانی دارند و عمل آنها پاسخی به دغدغه‌های بشری است و برخی از آنها در پاسخ به مشکلات وحدت فرهنگی درونی به وجود آمده‌اند (رابرتسون، ۲۰۱۵: ۴۸).

بنابر آنچه گفته شد مذهب نقش عمده‌ای در تجدید حیات مذهبی و جنبش‌های سیاسی - اجتماعی در دوران مدرنیته بازی می‌کند (درویشی متولی، ۱۳۸۸: ۷۰). اعتراض‌های دینی از زمان‌های دور وجود داشته است. اگرچه این اعتراضات در اواخر قرن

¹ Alvin Toffler

² David Harvey

³ Fredric Jameson

⁴ Anthony Giddens

⁵ Francis Fukuyama

⁶ Roland Robertson

⁷ Noam Chomsky

⁸ Thomas L. Friedman

⁹ Salzano

¹⁰ Immanuel Wallerstein

۲۰ و اوایل قرن ۲۱ از سنت‌های مذهبی و تحولات اجتماعی نشئت گرفته است، اما در شکل سیاسی مدرنی ظاهر شده‌اند (نوربخش و سلطانیان، ۱۳۸۹: ۴۶). همگام با این تحولات، خشونت‌های دینی نیز در جهان افزایش یافته است. تنها دین و یا نابرابری‌های سیاسی و یا چالش‌های اجتماعی علت آنها نیستند؛ اما تأثیر متقابل آنها در شکل‌گیری خشونت‌ها مؤثر بوده است. با آغاز جهانی شدن انجمن‌های دینی دچار تغییر ساختاری شده و تبدیل به شبکه‌های دینی در سطح ملی و بین‌المللی شده‌اند. آنها بدون وابستگی به حمایت‌های دولتی و یا نفوذ سنتی نهادهای دینی تشکیل می‌شوند. در حالی که در گذشته اعمال دینی در قالب تعهدات و وفاداری‌های موجود اجرا می‌شدند، در انجمن‌های آزادانه تصمیم می‌گیرند و انجمن‌های دینی مدرن، فرد آن را تأیید می‌کند (کیپن برگ^۱، ۲۰۰۸: ۲۰۱-۱۹۸).

«ترنر»^۲ در پاسخ به این پرسش که آیا جهانی شدن به حمایت یا تولید سکولاریزه شدن می‌پردازد یا اینکه در تجدید حیات مذهبی جهانی مشارکت می‌کند؟ معتقد است که باید بین نظریه‌های تجددگرایی و ادراک جهانی شدن تفکیک قائل شد. به نظر وی نظریه تجددگرایی، عرفیت را به عنوان جزء اصلی جهان جدید می‌شناسد، اما جهانی شدن نسبت به جایگاه مذهب در دهکده جهانی، گنگ و دوپهلو است. نظریه تجددگرایی مدعی شد که آگاهی علمی، شهرنشینی و در هم شکستن اجتماع، وفاداری به عقیده و عمل مذهبی را فرسوده می‌سازد، نقصان‌های تجددگرایی و فروپاشی اتحاد شوروی، تخریب محیط و پیوند سیاسی بین هویت قومی و احیای مذهبی، عامل مذهب را به عنوان وجه برجسته‌ای از سیاست و فرهنگ جهانی مطرح ساخته‌اند. رشد جهانی بنیادگرایی، پاسخی به مضامین عرفی مصرف‌گرایی جهانی بوده است، اما جهانی شدن از انتشار مذهب پشتیبانی می‌کند (نوربخش و سلطانیان، ۱۳۸۹: ۴۸).

چارچوب نظری

مفهوم جهانی شدن

به اعتقاد واتزر جهانی شدن فرآیند اجتماعی است که در آن قیدوبندهای جغرافیایی بر روابط اجتماعی و فرهنگی از بین می‌رود و مردم به طور فزاینده‌ای از کاهش این قید و بندها آگاه می‌گردند (واتزر^۳، ۱۳۸۹: ۴۱) آنتونی گیدنز جهانی شدن را درهم تنیدگی رویدادها و روابط اجتماعی سرزمین‌های دوردست با تار و پود موضعی یا محلی جوامع دیگر می‌داند؛ پدیده‌ای که میتوان آن را نوعی تلاقی حاضر و غایب دانست (گیدنز، ۱۹۷۸: ۳۸)

واژه جهانی شدن زمانی بکار برده می‌شود که یک کشور یا نهاد یا گروه و موسسه تصمیم می‌گیرند خود را در فرایندی قرار دهند که قبل از آنها دیگران این راه را رفته و خود را در مجموعه‌ای همسو قرار داده که مشترکات و علایق مشابه‌ای در زمینه‌های مختلف دارند و یا تصمیم گرفته‌اند این مشترکات را در طی این فرایند پیدا کنند اما وقتی از واژه‌ی جهانی‌سازی استفاده می‌شود، نوعی اراده که این پدیده را از بیرون شکل می‌دهد و هدایت می‌کند متبادر می‌شود؛ که بیشتر از جانب دولت‌ها و یا شرکت‌های چند ملیتی که بازیگران عرصه بین‌المللی هستند با استفاده از رسانه‌های مختلف انجام می‌شود جهانی شدن در زمینه‌ها و ابعاد مختلف صورت می‌گیرد در بعد اقتصادی- فرهنگی - نظامی - سیاسی و همچنین در ابعاد منطقه‌ای، قاره‌ای و یا جهانی و اهداف مختلفی را دنبال می‌کنند که در جهت منافع ملی هر کشوری است. (مورای^۴، ۱۳۸۸: ۶۱)

همچنین جهانی شدن عبارتی است که از دهه ۸۰ در حجم زیادی وارد ادبیات مربوط به علوم اجتماعی شد. تجربه جهانی شدن و جهانی سازی را بشر در زمینه‌های مختلف تجربه کرده است به قول تافلر جهان تحت تأثیر این فرایند تبدیل به دهکده کوچکی شده است و ابعاد مختلف زندگی بشری تحت تأثیر آن قرار گرفته است. مثلاً در زمینه اقتصادی کشورها به میل یا اجبار در سازمان تجارت جهانی گرده آمده‌اند و تن به یکسری قوانین و مقررات داده‌اند و به آن عمل می‌کنند و همچنین در

¹ Kippenberg

² Teimer

³ weatseir

⁴ Moeurai

زمینه فرهنگی که بسیاری از جوامع عضو نهاد بین المللی یونسکو بوده و در زمینه فرهنگی تلاش می‌کنند و سعی در شناساندن فرهنگ و دستاوردهای فرهنگی خود به جهانیان دارد و از فرهنگ دیگران تاثیر می‌پذیرند. (کلارک^۱، ۱۳۹۲: ۵۴) همچنین پژوهشگران معتقدند که دین از موضوعات قابل توجهی است و اهمیت آن را از کثرت تلاش‌هایی می‌توان دریافت که در سال‌های اخیر برای ساخت و به کارگیری سنج‌های دینداری مصروف شده است. این تلاش‌ها از دل اقتضانات و ضرورت‌های قابل درکی بیرون آمده است که نمی‌توانست بدون پاسخ باقی بماند. ضرورت این مطالعات به طور عام برخواسته از اعتباری است که هنوز دین برای انسان و اجتماع دارد. (صادقی، ۱۳۸۹: ۲۰) دین اصل وحدت بخش و زمینه مشترکی را فراهم ساخته و به انسان اجازه می‌دهد تا با فائق آمدن بر تمایلات خودخواهانه‌اشان و به خاطر عشق به همنوعانشان فراتر از این خودخواهی‌ها عمل کنند. شاید بتوان گفت که جهانی شدن و جهانی سازی در مقوله دین و دینداری نیز اثر گذار بوده است. نگاهی گذرا به تاریخ ایران عملکرد استعمارگران در تاریخ ایران است که هرچند عامل اقتصادی انگیزه حضور استعمارگران در کشور ما بوده و در این راستا دین مردم نیز در راستای تامین منافع استعمارگران دستخوش تغییر و تبدیل و انحراف قرار گرفته است. (سلیمی، ۱۳۹۳: ۱۴)

در فرایند جهانی شدن جامعه سنتی ایران در زمان قاجاریه در مقابل جوامع مدرن غربی قرار گرفت که نگاهشان به دین با جامعه ما متفاوت بود. مواردی که اشاره شد بعضی دیدگاه‌ها نسبت به جهانی شدن بود. با جمع بندی تعاریف ارائه شده در این پژوهش جهانی شدن این گونه تعریف می‌شود: جهانی شدن به تشدید روابط اجتماعی در سراسر جهان اشاره دارد که مکان‌های دور از هم را چنان به هم مرتبط می‌سازد که اتفاقات هر محل زاینده حوادثی است که کیلومترها دورتر به وقوع می‌پیوندد؛ به عبارت دیگر، جهانی شدن ظهور نوعی جامعه شبکه‌ای است که مرزهای سیاسی و اقتصادی را کم رنگ کرده، ارتباطات را گسترش داده و تعامل فرهنگی را افزون کرده است. (کچوئیان، ۱۳۸۴: ۶۸)

جهانی شدن و رابطه آن با دین و دینداری

از نظر جامعه شناسان جهانی شدن وضعیت جدیدی را برای حضور دین در جوامع سنتی و مدرن فراهم می‌کند؛ اما چگونه می‌توان در جامعه مدرن که در نتیجه فرآیند عرفی شدن، دین به سمت خصوصی شدن در حرکت است، از امکان نفوذ عام دین سخن گفت. در جامعه مدرن به این دلیل که زیرسیستم‌های جامعه، مستقل از هنجارهای ارزشی عمل می‌کنند ما شاهد روند عرفی شدن هستیم، این روند ناشی از تمایز کارکردی زیر سیستم‌هاست. از این رو ضرورت دارد تا براساس تفکیک «لوهمان^۲» به تفکیک نقش‌های حرفه‌ای و تکمیلی توجه نشان داده شود. (گودرزی، ۱۳۸۷: ۲۳) هر زیرسیستمی نقشی حرفه‌ای و تخصصی دارد که موجب استقلال آن از دیگر سیستم‌ها در جامعه مدرن می‌شود، در کنار این نقش تخصصی می‌توان نقش‌های تکمیلی را هم برای آنها قائل شد. برای مثال یک روحانی یا یک پزشک به عنوان یک نقش تخصصی می‌تواند نقش‌های تکمیلی چون مریض، مؤمن، مصرف کننده، رأی دهنده را هم ایفا کند. (قاسمی، ۱۳۹۳: ۲۶)

نفوذ عام یک زیرسیستم بسته به این است که چقدر بتواند نقش‌های تکمیلی را به عهده بگیرد. از بُعد دیگر، می‌توان بین کارکرد و عملکرد تفکیک قائل شد. کارکرد به آن نقش تخصصی اشاره دارد که یک زیرسیستم در ارتباط با کل جامعه ایفا می‌نماید و رابطه‌ای که یک زیرسیستم با زیرسیستم‌های دیگر برقرار می‌کند را عملکرد آن گویند که در حوزه نقش‌های تکمیلی جای می‌گیرد. اکنون باید روشن کرد که نفوذ عام دین تنها با توجه به عملکرد زیرسیستم دین ممکن است، نه کارکرد آن. کارکرد دین اشاره دارد به نقش منحصر به فرد و تخصصی شدن که دین برای کل جامعه ایفاء می‌کند. کارکرد دین متوجه ارتباطات ناب دینی است، مثل سرسپردگی، عبادت، رستگاری؛ اما عملکرد دین متوجه رابطه آن با زیرسیستم‌های دیگری است که دین از طریق آن اهمیت خودش را برای وجوه دنیوی دین بیان می‌کند. (قاسمی، ۱۳۹۳: ۳۴)

¹ Clark

² Luehmann

مثل توجه دین به مسئله خانواده، فقر، سیاست. از آنجا که حوزه عملکرد دین حاوی نقش‌های تکمیلی است که در زیرسیستم‌های دیگر حضور می‌یابد، نفوذ عام پیدا می‌کند. لذا دین در جامعه جهانی از طریق عملکرد خودش می‌تواند نفوذ عام پیدا کند و در حوزه کارکردی به سمت خصوصی‌سازی و کثرت‌گرایی دینی و همزیستی پیش رود. در جامعه مدرن که اصل بر تفکیک کارکردهاست این شکل همزیستی رو به تحلیل می‌رود. مرزبندی‌های گروهی در جامعه جهانی تغییر می‌کند. گروه‌بندی‌ها به شکل سنتی دیگر معنایی ندارد. (گل محمدی، ۱۳۹۲: ۴۵) در جامعه جهانی شده حصارها برداشته می‌شود، لذا موقعیت دین در چنین جامعه‌ای هم تغییر می‌کند. اگر فردی در جامعه سنتی بیگانه محسوب می‌شد امروزه همسایه به حساب می‌آید. دیگر حفظ تفکیک درون و بیرون به آسانی ممکن نیست. ارتباطات، مرزهای جغرافیایی و عقیدتی را از میان برده است. (آمیلی^۱، ۲۰۱۲: ۱۰) در جامعه جهانی شده اخلاق محوریت خود را از دست می‌دهد. دو راه در رابطه با دین و جهانی شدن می‌توان تصور شد: یک راه قرائت محافظه‌کارانه از دین است این قرائت با پاسخ‌های هنجاری که به وضعیت جهان می‌دهد معتقد است که جهان در مسیر شر حرکت می‌کند. محافظه‌کاران همسازی چندانی با ساختارهای اجتماعی مدرن ندارد. راهکار دوم قرائت آزاداندیشانه از دین است. آزاداندیشان به مسئله شر به شکل جدیدی توجه می‌کنند. شر وجود دارد اما نمی‌توان جایگاهش را به روشنی مشخص کرد چرا که در عالمی که کثرت‌گرایان در آن زندگی می‌کنند، نمی‌توان جایگاه شرور را مشخص نمود. (واتزر، ۱۳۸۹: ۵۳) آزاداندیشان در مقوله کارکرد به کثرت‌گرایی دین، خصوصی‌سازی دین و تصویری رحمانی از خداوند قائل هستند و امکان رستگاری و تعبیر و تفسیر دین برای همه را ممکن می‌سازند. کثرت‌گرایی دینی کمک می‌کند تا کسی محروم از کارکردهای دین نباشد. برای مشخص نمودن نقش عام دین در جامعه جهانی توجه به کارکرد دین کافی نیست، باید به شکلی بین کارکرد دین و عملکرد آن رابطه برقرار کرد. عملکرد دین در واقع توجه زیرسیستم دین به مسائل دیگری است که در مجموعه زیرسیستمها وجود دارد. نکته مهم این است که راه‌حلهایی که دین ارائه می‌دهد برای زیرسیستمهای دیگر، دینی نیستند بلکه از ویژگی‌های سیستم مقصد برخوردارند. برای مثال راه‌حل‌های سیاسی برای مسائل سیاسی می‌دهد، نه راه‌حل‌های اخلاقی. (نوریس^۲، ۲۰۱۴: ۷۲)

این الگو با ساخت اساسی جامعه مدرن سازگار است. چرا که این قرائت معتقد است با رجوع به ایمان و اجرای صحیح آئین‌ها نیست که مسائل اجتماعی، اقتصادی حل می‌شود، بلکه راه‌حل‌ها، مبنایی این جهانی دارند؛ بنابراین جهانی شدن، خودش شیوه‌ای که دین باید در آن نفوذ عام بیابد را تعیین می‌کند. از آنجا که در یک جامعه جهانی، بیگانه‌ای وجود ندارد تا نماینده اجتماعی جناح شر باشد، موقعیتی که دین خود را براساس کیهان‌شناسی جوامع پیش از مدرن سامان می‌داد، تغییر می‌یابد. اکنون دین ناچار است خود را با ساخت اساسی جامعه جهانی شده هم‌نوا سازد تا با تحول در کارکردها و عملکردهای خود، جای درخوری در جامعه جدید بیابد. (واتزر، ۱۳۸۹: ۶۸) از آنچه تاکنون بیان شد می‌توان نتیجه گرفت که دگرگونی اجتماعی و همراه شدن با فرهنگی که قصد دارد عناصر خود را در جوامع مورد نظر و یا بطور کلی در جهان اشاعه دهد متکی بر نقش عاملهای انسانی است. در این میان، روشنفکران، بخش قابل توجهی از عاملهای انسانی را تشکیل می‌دهند. آنها به همراه دیگر عاملها (نخبگان سیاسی، کارفرمایان اقتصادی و یا رهبران کاریزماتیک) در اداره دگرگونی جامعه سهیم هستند. ابزار کنش تاریخی روشنفکران عمدتاً با نظریه‌سازی و ایده‌پردازی همراه است. (لطفی، محمدزاده، ۱۳۸۹: ۱۲۴)

اما از آنجا که میان عاملیت و ساختار ارتباطی یک‌سویه نیست، عمل روشنفکران تنها در چارچوب ساختارهای جامعه معنی می‌یابد. حوزه عمل روشنفکرانه، تابع فراخنایی است که ساختار اجتماعی در یک جامعه پیش روی روشنفکران می‌نهد. در برخی از جوامع، دگرگونی اجتماعی به کمک بازتولید سنت و دین ممکن می‌گردد. از یک‌سو تحولات ساختاری موجب می‌شود تا نوگرایان و روشنفکران، تفسیری متناسب با ساختار جدید از دین عرضه کنند و از سوی دیگر روشنفکران همواره تلاش می‌کنند تا به واسطه تعبیر و تفسیر جدید از دین و سنت به کمک تحولات ساختاری - اجتماعی بشتابند. (کرت^۳، ۱۳۸۶: ۳۵)

¹ Ameli

² Norris

³ Cearth

روشنفکران در جوامع در حال توسعه که با جامعه‌ای دستخوش دگرگونی مواجه‌اند و بیش از دیگران این ضرورت را احساس می‌کنند که از طریق بازسازی سنت و دین موانع موجود را در جهت استقرار مدرنیته بردارند. اگرچه دگرگونی و تاثیر و تاثر جهانی در همه جوامع وجود داشته است، اما آنچه دگرگونی در جامعه مدرن را از جامعه سنتی متمایز می‌سازد، آهنگ تغییر و گستره آن است. امروزه جوامع مدرن وضعیتی از دگرگونی را تجربه می‌کند که از جهت آهنگ دگرگونی و کیفیت، قابل مقایسه با جوامع پیشین نیست. (ستوده، ۱۳۹۴: ۹۶)

جایگاه امروزی ایران نسبت به مولفه‌های دینی و مفهوم جهانی شدن

اصولاً این امکان وجود ندارد که به طور ثابت یکسری ویژگی ثابتی برای دینداران در نظر گرفت و افراد را با آن ملاک‌ها سنجید و در مورد دینداری آنها قضاوت کرد. لذا کسانی که در حوزه دینی و عمومی جامعه کنونی ایران سیاستگذاری می‌کنند باید به این مساله توجه کنند که به هر صورت دینداری امروز با آنچه در دهه‌های گذشته وجود داشته، تفاوت دارد. روندهایی چون تحصیلات، شهرنشینی، سن افراد و تحولات ساختار زندگی و تکنولوژی و برخی مسایل دیگر سبب می‌شود که نوع دینداری، جزئیات، تفاسیر، صورت بندی، درک و تجربه افراد تغییر کند؛ زیرا جوامع به سمت و سوی پذیرش یه سری هنجارها و تعاملات اجتماعی هستند و به صورت اکید، القا و در نظر گرفتن مولفه‌های یک بعدی نمی‌تواند گزاره مناسبی برای دینداری افراد تلقی گردد. (فراستخواه، ۱۳۹۵: ۱۲)

اینکه گفته می‌شود جامعه دیگر دینی نیست و نسل جدید دیگر دین ورزی و دینداری نمی‌کند، در حقیقت به معنای برآورده نشدن انتظارات حداکثری برخی گروه‌ها و ایدئولوژی هاست؛ کسانی انتظاراتی از دینداری دارند و چون در جامعه و میان نسل جوان، درک از دینداری به آن صورت که دسته خاصی از افراد می‌خواهند نیست، مردم را به دیندار نبودن متهم می‌کنند در حالی که مساله ما اینجا مساله نسلی است، وقتی نسل تغییر می‌کند، طبیعی است که باید میان نسل قبلی و جدید یک گفت‌وگو صورت بگیرد، اگر این گفت‌وگو و تفاوت‌های میان نسلی به رسمیت شناخته نشود، منجر به شکاف و تعارض نسلی می‌شود؛ مخصوصاً اگر یک نسل بخواهد الگوهای خود را بر نسل‌های جدید تحمیل کند. (عاملی، ۱۳۹۴: ۷۹)

لذا جامعه کنونی ایران از طریق شبکه‌های اجتماعی، اینترنت، تغییرات شهرنشینی، جمعیتی، تحصیلات و تنوع نهادها و اجتماعی به دنیای جدیدی پرتاب می‌شود در نتیجه این جامعه، جامعه صرفاً نخبه‌مدار قبلی نیست، جامعه مبتنی بر دانش و یادگیری در سطح عموم مردم و گروه‌های اجتماعی است. در نتیجه امر دینی به دلیل ماهیت اجتماعی بودنش در جامعه نیاز به تحول و هم‌سنجی و هم‌گرایی با تحولات دنیا دارد. (کاظمی، ۱۳۹۰: ۱۵) به عنوان مثال طی سال‌های گذشته روندها و حتی کلان روندهایی در ایران به وجود آمده است که برای فهم خصوصیات دینداری و ویژگی‌های دینداران در جامعه باید به آنها توجه شود. یکی از این روندها «تغییر جمعیت شناختی» است که این اتفاق در جامعه ایران در حال رخ دادن است. به عنوان مثال میانگین سن ایرانی‌ها بالا می‌رود، وقتی هرم جمعیتی ما تغییر پیدا می‌کند، احتمال اینکه تغییراتی هم در نوع دینداری ما شکل بگیرد، وجود دارد؛ مثلاً جمعیت چند دهه گذشته ایران جوان‌تر از امروز بود و طبیعتاً در میان جمعیت جوان، آرمان‌گرایی زیاد است، وقتی متوسط سن بالا می‌رود، به همان میزان هم این احتمال وجود دارد که آرمان‌گرایی‌ها مقداری کاهش پیدا کند و جامعه کمتر آرمان‌گرا و بیشتر واقع‌گرا شود؛ در واقع ممکن است یک نوع دینداری‌های بسیار آرمانی نسبت به دوره‌های قبل کاهش یابد. لذا از این منظر مفاهیم دینی دچار تحول و تغییر طبیعی خواهند شد. چیزی که در حال حاضر در ایران شکل گرفته است، از این اصل کلی مستثنی نیست. (فراستخواه، ۱۳۹۵: ۱۲)

از دیگر سو یکی دیگر از عواملی که در جامعه کنونی ایران، مفاهیم و مولفه‌های ماهوی دین را دچار نوعی تغییر و تحول نموده است، گزاره‌های تحصیلات و واقع‌بینی اجتماعی است. به عنوان یک مثال شاخص می‌توان در مقایسه ساده‌ای میزان دینداری یا دین محوری را در ادوار پیش از انقلاب شکوهمند ایران و همچنین پس از انقلاب مورد بررسی قرار داد. در یک دوره خاص از شرایط جهانی و منطقه‌ای و داخلی که جامعه ایران قرار داشت، انواع ایدئولوژی‌های دینی به وجود آمد که در آنها شکلی آرمانی از دین سیاسی برجسته شدند و یک مدینه‌های فاضله دینی ذهنی شکل گرفت که در دهه ۴۰ و ۵۰ شمسی در ایران به اوج

خود رسید. شاید به یک معنا انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ تحت تاثیر این آرمان‌گرایی‌ها و ایدئولوژی‌های دینی بود که نمایندگان برجسته آن را در شکل نوگرایانه می‌توان در شریعتی دید که تعبیر ایدئولوژیکی از دین داشتند و آرمان‌هایی را ترسیم می‌کردند؛ اما در جامعه امروزی ایران «سطح تحصیلات» بالا رفته است و تحصیلات که بیشتر می‌شود طبیعی است که نوع تفکر دینداری افراد تحصیلکرده با نوع دینداری کسانی که تحصیلات کمی دارند، تفاوت‌هایی دارد و یک نوع دینداری است که انتظار پرسشگری، نقد، شک، اعتراض و ابهام در آن بسیار است. (کچوئیان، ۱۳۹۴: ۸۹)

نتیجه‌گیری

به طور کلی، مولفه جهانی شدن به معنای این است که مجموعه انسان‌ها در همه دنیا به یک ساختار نوینی جهانی بر اساس یکسری پارامترهای مشترک که همه آن را درک کرده و به آن آگاه هستند، دست یابند. این امر از آن جهت دارای اهمیت بیشتری است که این همگونی با وجود همه تنوع‌هایی که در راستای تفکر و ماهیت اندیشه‌ای انسانها وجود دارد، تشکیل می‌گردد. هدف از جهانی شدن، کاستن از مرزهای جغرافیایی و سیاسی است و همچنین قرابت بیشتر انسان‌ها به یکدیگر. همچنین جهانی شدن به معنایی نظیر تعاملات فرهنگی یا امور فرهنگی و یا مباحث عقیدتی و نظایر اینها نیست و هیچ شرایط تازه‌ای را برای انسان بوجود نمی‌آورد، زیرا علیرغم اینکه مثلاً مرزها نزدیک شده و دسترسی انسانها به هم و نقل و انتقالات زیاد شده، اما ساختارها به طور قابل توجه تغییری نکرده‌اند، فقط مقداری در نحوه زندگی و عمل ما تغییر ایجاد شده است ولی بیانگر یک تغییر ساختاری در حیات اجتماعی نیست؛ زیرا جهانی شدن به معنای و تعابیر کنونی، در حدود ۳۰ سال هست که در دنیا نمود و بروز پیدا کرده است و صرفاً جنبه‌های خاصی از زندگی، آنهم از جانب کیفی دچار تحول شده‌اند؛ اما تغییر قابل لمسی که در این میان به وقوع می‌پیوندد، کاهش اختیار دولت‌ها و افزایش نقش ملت در حوزه مبانی فرهنگی جامعه است. لذا با توجه به موضوعاتی که در این پژوهش بدان اشاره شد، می‌توان به این نتیجه دست پیدا کرد که اساساً ساختار فکری مردم در جامعه ایران در ارتباط با مقوله جهانی شدن، به طور کامل دچار تغییر و تحول در حوزه معنا و مفهوم دین نشده است. البته ناگفته نماند، تحولاتی که بر اثر ورود تفکر و فرهنگ غرب در سال‌های اخیر وارد فضای جامعه شده تا حدودی بعد کیفی توجه به مسائل دینی را مورد نظر قرار داده است و در این راستا، می‌توان شاهد تغییر در خلق و منش آحاد افراد جامعه نسبت به مسائل معنوی بود؛ اما این به معنای دوری‌گزینی از مسائل دینی و یا انزوای دیانت در جامعه نمی‌باشد.

منابع

۱. ابوالحسنی، سیدرحیم. (۱۳۹۶). معیارهای جهانی شدن نوین. تهران. پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
۲. افتخاری، اصغر. (۱۳۹۰). ناامنی محدود: بررسی تهدیدهای جهانی شدن برای جهان اسلام در مجموعه مقالات جهان شمولی و جهانی سازی. تهران. انتشارات اندیشه معاصر.
۳. آزاد ارمکی، تقی. (۱۳۹۳). فرهنگ و هویت ایرانی و جهانی شدن. ویراست دوم. تهران. انتشارات تمدن ایرانی.
۴. پای لوسین. (۱۳۹۰). بحران‌ها و توالی‌ها در توسعه سیاسی، ترجمه غلامرضا خواجه سروی. تهران. انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۵. چیت ساز قمی، محمدجواد. (۱۳۹۳). گسست نسلی در ایران: افسانه یا واقعیت. ویراست دوم. چاپ سوم. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
۶. دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۸۶). لغتنامه. تهران. انتشارات دانشگاه تهران.
۷. ستوده، محمد. (۱۳۹۴). جهانی شدن و همگرایی کشورهای اسلامی. تهران. فصلنامه علوم سیاسی. شماره ۲۷.
۸. سلیمی، حسین. (۱۳۹۳). نظریه‌های گوناگون درباره‌ی جهانی شدن. تهران. سمت.

۹. صادقی، احمد (۱۳۸۹) جهانی شدن، فرسایش اقتدار و تحول دولتی، فصلنامه سیاست خارجی. تهران. اندیشکده وزارت امور خارجه.
۱۰. عاملی، سعیدرضا. (۱۳۹۴). جهانی شدن: مفاهیم و نظریه‌ها. تهران. فصلنامه فلسفی. ادبی، فرهنگی ارغنون. شماره ۲۴.
۱۱. فراستخواه، مسعود. (۱۳۹۵). ژرف‌نگری در حوزه تعامل دین و جهانی شدن. فصلنامه پژوهش، ش ۵۳
۱۲. قادری، مجتبی. (۱۳۹۴). آثار و پیامدهای جامعه جهانی بر روی هویت اجتماعی جوانان. پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه اصفهان.
۱۳. قاسمی، فرزانه. (۱۳۹۳). مراتب و مولفه‌های هویت در مبانی نظری هویت و بحران هویت. تهران. پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاددانشگاهی.
۱۴. کاستلز، مانوئل. (۱۳۹۳). ظهور جامعه شبکه‌ای. ترجمه احد علیقلیان و افشین خاکباز. چاپ سوم. تهران. طرح نو.
۱۵. کاظمی، علی (۱۳۹۰). جامعه‌شناسی روشنفکری در ایران. تهران. طرح نو.
۱۶. کچوئیان، حسین. (۱۳۸۶). نظریه‌های جهانی شدن: پیامد چالش‌های فرهنگ و دین. تهران. نشر نی
۱۷. کرث، جیمز (۱۳۸۶) مذهب و جهانی شدن، ترجمه حمید بشیریه، دانشگاه در آیین مطبوعات، شماره ۸۹
۱۸. کلارک، یان. (۱۳۹۲). جهانی شدن و نظریه‌ی روابط بین الملل. مترجم فرامرز تقی چاپ دوم. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۱۹. گل محمدی، احمد. (۱۳۹۲). جهانی شدن فرهنگ و هویت، تهران. نشر نی.
۲۰. گودرزی، حسین. (۱۳۸۷). مفاهیم بنیادین در مطالعات قومی. تهران. انتشارات تمدن ایرانی.
۲۱. لطفی، حیدر و آزاده محمدزاده. (۱۳۸۹). فرآیند جهانی شدن و بررسی این پدیده در کشورهای جهان اسلام. تهران. مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین‌المللی جغرافیدانان جهان اسلام.
۲۲. مورای، وارویک. ای (۱۳۸۸). جغرافیای جهانی شدن. مترجمان جعفر جوان و عبدالله عبداللهی. تهران. نشر چاپار
۲۳. نوربخش، یونس. (۱۳۸۹). جهانی شدن و چالش‌های دینی و ملی حاصل از آن. فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی. سال دوم، شماره سوم.
۲۴. نهبان‌دیان، محمد. (۱۳۹۴). ما و جهانی شدن. تهران. انتشارات اطلاعات سیاسی اقتصادی.
25. Ameli, S. R (2012), *Globalization and british Muslim identity*, London: Ic As Press
26. Chomsky, N. (2015). *New Generation Draws the Line: Kosovo, East Timor, and the "Responsibility to Protect" Today*. Routledge.
27. Cohen, R, Kenedy P (2000), *Global culture*, Londen, Routledge.
28. Friedman, T. L., Root, E., & Guattari, F. (2015). *ПРОБЛЕМЫ ОБРАЗОВАНИЯ*.
29. Kippenberg, Hans G.) 2008. *Gewalt als Gottesdienst, Religionskriege im Zeitalter der Globalisierung*, bpb. (Hrg.), München: Verlag C. H. Beck oHG.
30. Norris, Pippa anf Ronald Inglehart(20۱4). *Sacred and Secular: Religion and politics World Wide*.Cambridge University Press.
31. ROBERTSON, R. (2015). *Beyond The Discourse of Globalization. Glocalism: Journal of Culture, Politics, and Innovation*.
32. Salzano, Massinmo (2003), *Globalization of the Italian School of Public Finance*, University of Salerno.
33. Thompson, F. (2004) *The Fate of Territorial Engineering: Mechanisms of territorial Power and Post-Liberal Forms of International Governance*,., CSGR Working Paper No. 142/04.
34. Wallerstein, I., Chase-Dunn, C., & Suter, C. (2015). *Overcoming global inequalities (Vol. 34)*. Routledge.

Study of globalization and transformation of religiosity in Iran

Seyed Mohsen Salehi

M.A Graduated in Department of Political Science, The tendency of political thought in Islam, Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabataba'i University Tehran, Tehran, Iran (Corresponding Author)

Abstract

Basically, globalization is one of the most important events that human societies face with, because it's the origin of various changes and transformations in different aspects of humankind life and it can have impact on intellectual atmosphere and behavioral nature of countries both in micro and macro scales. On the other hand, in nations with Islamic pattern, religiousness and spirituality could sometimes change by cultural dissemination and promotion of ultra-regional components. Thus, analysis and exploration of practice evaluations and line of thoughts in individuals due to religious concepts and components is very important in an Islamic society. Therefore, it is necessary to fully describe the due concepts, to express the position of a region or a nation relative to fundamental basics of globalization and principle of religion and religiosity, and accordingly to review the current situation of society in terms of stability or transformation of the globalization subject and religiosity. In this research, the undergoing transformations in line with globalization due to religious concepts and religiosity in Iran is discussed, and it's been determined that some of religious components, in religiosity field, have transformed in area of definition and practical meaning.

Keywords: religion, religiosity, globalization, global culture, transformation.
